

## واژه‌های جلدسازی و نقاشی در خطبه اسناد

از جمله منابعی که برای دستیابی به اصطلاحات رایج در صنایع و مشاغل و علوم، مفید فایده و ارزشمند برای پژوهش‌اند، عبارت‌پردازی با این‌گونه واژه‌ها در متون نثر و نظم فارسی است. کاربرد اصطلاحات هنری در شعر بیشتر مورد توجه قرار گرفته است. اما از متون نثر و برائت استهلال‌هایی که در خطبه اسناد قضایی چون وقف‌نامه‌ها و بیع‌نامه‌ها و ... دیده می‌شود، کمتر نمونه‌ای ارائه شده است.

در اینجا برای نمونه، خطبه‌های دو آزادنامه (خط آزادی) که با اصطلاحات نقاشی و جلدسازی آراسته شده ارائه می‌گردد.<sup>۱</sup> این خطبه‌ها مانند همه دیباچه‌ها با حمد خداوند، درود بر پیامبر و اهل بیت (ع)، به ویژه حضرت علی (ع) آغاز می‌شود و سپس به موضوع سند وارد می‌شود. این دو متن برگرفته از نسخه خطی ذخیره المحررین<sup>۲</sup> (تألیف ۱۳۱۰ هـ) اثر ارزشمند شیخ عبدالله بن محمدحسین حوری بحرانی کازرونی، از احفاد شیخ یوسف بن علی بن سلیمان بن درویش بن حاتم بحرانی است که محضرداری و سندنویسی در خاندان او پیشینه درازی دارد.<sup>۳</sup> ذخیره المحررین شامل نمونه‌های ادبی خطبه‌ها و عبارت‌پردازی‌ها و برائت استهلال‌های مشاغل مختلف چون پوستین‌دوز و جامه‌باف و طبیب و کبوترباز و معمار و تیرانداز و حمامی و خیمه‌دوز و جوهری و ... در انواع اسناد است. مؤلف کتاب که خود کاتب و خوش‌نویس است این خطبه‌ها و دیباچه‌ها را گردآوری کرده و یا نوشته است. آثار بازمانده از او نشان می‌دهد که وی در کار صحافی نیز تبحر داشته است.

یگانه نسخه این کتاب با جلد مقوایی، قطع وزیری، خط شکسته نستعلیق و رقاع (در عبارات عربی) به صورت چلیپانویسی در ۱۴۸ صفحه، و به همراه تألیف دیگری از او به نام کشکول بحرانی در اختیار این جانب است.



تصویر: صفحه عنوان «ذخیره المحررین».

<sup>۱</sup> استاد ایرج افشار در مقاله جامع «صحافی و مجلدگری» به بسیاری از اشعار مربوط به این حوزه اشاره کرده‌اند. نک. نامه بهارستان، سال سوم، شماره دوم، دفتر ۶، پاییز و زمستان ۱۳۸۱، ص ۳۲۹-۳۹۶.

<sup>۲</sup> درباره این خاندان، نک. میرزا حسن، حسینی فسلی، فارسانه، به تصحیح دکتر منصور رستگار فسایی، (تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۷)، ج ۲، ص ۱۴۴.



### خطبه آزادی که یکی از نقاشان مصور، غلام نسیم نام را آزاد نموده

نقاش کتابخانه «ن و القلم و ما یسطرون» به قلم تصویر چه تحریر نمایند، رنگین تر از حمد مصوری که فلک لاژوردی را به کواکب ثواقب، به مضمون «أنا زینا السماء الدنیا بزینة الكواکب» مزین نمود. و مصور کاشانه «و صورکم فاحسن صورکم» به رقم تحریر چه تذهیب فرمایند، شیرین تر از شکر مهندسی که چرخ زنگاری را به عشر و خمس نجوم «و بالنجم هم یهدون» روشن فرمود. محرر الرقابی که آسمان نیلگون به شنجرف شفق افق و شمشیر زرنگار خورشید منقش فرمود، معتق العبادی که صفحه نقاشی اوراق گردون را به جدول محرر و خطوط شعاعی، مجذول نمود. بیت:

نقاش ازل کاین خط مشکین، رقم اوست      یارب چه رقم های عجب در قلم اوست

و مذهبان کارخانه «ملکوت السماوات و الارض» بر لوح سفیدی ایام به خامه باریکه موی چه طرح نمایند، نیکوتر از درود نامعدود آزاده ای که صدف آسمان نگون و تخته زمین غبرای بوقلمون، و سیاهی و سفیدی روز و شام از وجود با وجود او رقم هستی یافت.

و محرران دیباچه «کن فیکون»، بر ورق نقره فام روزگار و صفحه لیل و نهار، به پرگار راستی، کدام دایره کشند، بهتر از صلوات خواجه ای که شمس خورشید مطلقاً چون بر روضه زنگارش تافت، صفت روشنی یافت. رفیق شفیق حضرت اعلی، خواجه هر دو سرا، محمد المصطفی، و بر آل بزرگوار و عترت عالی مقدار او که صفایح زرافشان اطباق سقف مینافام، به شرف ذات او ارتباط دارد. و صحایف منقش ستاره نشان ورق های جریده آسمان، و آفتاب معصفرنگ طلافتان به یمن درجات آن زمرة عالی شان انطباط [یافته]، خصوصاً امیری که از در نجف مرقد اطهرش، طلای آفتاب منیر و نقره دایره ماه مستنیر، صیقل جلا دارد و از شمیم نسیم قبولش مهام قابلان مقبل و مقبولان صاحب دل، سعادت اقبال و دولت انجلا.

و بعد، چون به تحریر فلک رقبه و تسطیر «من اعتق رقبة مؤمنة اعتق الله تعالی بكل عضو منها عضواً منه من النار» تحریر بندگان مخلص و مخلصان متخصص، سبب نجات بندگان از آتش سوزان و شعله نیران می گردد، بنابراین از او مطلق العنان نمود، جناب فضیلت مآب، مذهب صحایف کتاب کریم، محرر الواح «بسم الله الرحمن الرحیم»، نقاشی که به قلم سحر آفرین، صورت جان را تطهیر نماید. صناعی<sup>۳</sup> [را] که به رقم دل پذیر و تحریر بی نظیر روان را به احسن وجهی گشاید. متفردی که به قلم موی خط، خوبان سیمین عذار را به طرح سنبل از مشک ناب رقم کند. وحیدی که عشوه و غنچ و دلال گل رخان لاله رخسار را از رقم مشکین، قلم کشد. فریدی که مانی<sup>۴</sup>، ثانی اوست و استادان مصور به قلم دوزبان پیوسته در شناخوانی او. راقمی که بوستان جهان - که پر از گل و ریحان است - از صدف شنجرف دیباچه طلای شنگرف او ملون گردیده. ناظمی که شیشه آسمان بر از نقطه های نجوم و شمس خورشید لاژورد و سفیدآب ظروفش و قلم نازک رقم مویش، مزین. فرید الافاق، اکمل الفضلاء بالاستحقاق، زیناً للفضیلة و السعادة و الدین [...].

\* \* \*

۲ اصل: بانوی.

۳ اصل: صناعی.

## خطبه قباله آزادی که یکی از مجلدان غلام صاحب‌دل را آزاد نموده\*

حمدی که صاحب‌دلان مقبل و مقبولان مخلص صاحب‌دل تکلم نمایند، قابل درگاه معتق الرقابی است که: اجزای فلک نگون را به مضمون ﴿و جعلنا فوقکم سبعاً شداداً﴾ به راده نقطه قطب مدار التیام داده، مجلد نمود. و شگری که قبالان مسیحادم و ندیمان همدم محرم ترنم فرمایند، شکر رب الاربابی است که اوراق آسمان نیلگون را به فحوای ﴿و یتفکرون فی خلق السماوات و الارض﴾ که مجزاً بود، از ﴿خیط الابيض من الخیط الاسود﴾ از قوس قزح شیرازه فرمود.

مالکی که کتاب افلاک مشبک مفرق و گردون مقوای مطبق را به قلم قدرت ﴿و لقد زینا السماء الدنيا بمصابیح﴾ از نجوم مطلا و منقط ساخت.

حاکمی که ادم خاک را به ورق‌های الوان گل و ترنج به مؤدای ﴿فانظروا الی آثار رحمة الله﴾ پرداخت. و لغتی که طوطیان شکرستان ﴿ما ینطق عن الهوی﴾ ادا نمایند، بنده آزاده‌ای را سزاست که کتاب‌خانه ﴿و علم بالقلم﴾ حرفی است از معلومات او.

و درودی که ببلان خوش الحان بوستان ﴿ان هو الا وحی یوحی﴾ به آن جوهر زبان گشایند، خواجه فرزانه‌ای [را] روا که ﴿علم الانسان ما لم يعلم﴾ نقطه‌ای از مفهومات او. مجلد اوراق الشریعة<sup>۵</sup> البیضاء، محمد المصطفی، و آل و عترت فرخنده طلعت او که مقبولان درگاه الهی و مخلصان و مخصوصان بارگاه نامتناهی اند، خصوصاً امیری که ورق ایمان و اسلام از تیغ نیلوفر قام او سیفه<sup>۶</sup> یافته و ذوالفقار آبدارش، مغز سر اعدا را به سان شکنجه اجزای شکافته، امیرالمؤمنین و امام المتقین، علی بن ابی طالب (ع).

و بعد، چون آزادی بندگان از قید رقیّت سبب آزادی بندگان است. و خلاصی عبید و امام از بندگی واسطه خلاصی مخلصان از نیران. بنابراین، آزاد کرد، قدوة الفضلاء المتفردین، زبدة الصنّاع المتبحرین، وحیدی که اجزای صناعت را که میانه ارباب فضیلت مجزی بود، از روی وقوف و دانش مجلد گردانید. فریدی که اوراق مصاحف را که به سبب حادثات روزگار از جلد، ورق‌ورق گردیده بود، به شیرازه کاردانی ترتیب<sup>۷</sup> داده به متشرعان دین نبوی رسانید. نقطه دایره فضل و کمال، سیفه کتابه بی نظیری و افضال، متفرد الفضائل فی الافاق، استاد الصنّاع بالاستحقاق [...].

عمادالدین شیخ‌الحکامی

مؤسسه باستان‌شناسی دانشگاه تهران

۵ اصل: الشریفة.

۶ اصل: سیفه.

۷ اصل: بتربیت؟

